

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز درد دلی داشتم و پیشنهادی. بنده از اون دخترهایی هستم که تقریبا سرمایه گذاری زیادی روم شد برای خدمت به کشورم به عنوان یه خانم و نظر به اینکه شما همیشه می فرمایید که دیگه اینکه سلوک طوری باشه که فرد خودش خوب باشه درست نیست و باید وارد اجتماع بود و بخصوص الان که تو بحث خانم ها هنوز مشکل هست اینطور که بنده رو گذشته خودم فکر می کنم اصلا برای همین زمان از طرف مربیان تربیت شده بودم بنده رشته علوم تجربی بودم و واقعا هم با علاقه و با انواع استعدادسنجی ها و کلی کار کارشناسی شده از طرف مدرسه وارد این رشته شدم نه اینکه جو دکتری گرفته باشدم ولی متاسفانه به دلیل وجود کنکور و اینکه نتونستم از این سد بگذرم پدر مادر بیسوادی داشتم اصلا این زحماتی که برایم کشیده شد قابل استفاده و ثمر نداد. الان مانده با عمر تلف شده وقتی به اجتماع نگاه می کنم می بینم اینقدر پزشک خانم داریم، ولی متاسفانه اصلا حالا نظر بنده اینه اکثر نتونستن بفهمن چرا اومدن پزشک شدن. خود بنده گاه در مراجعه به پزشک کلی باید بگردم تا یه متعهد متخصص پیدا کنم از طرفی برای دامه در این رشته مانده ام. رشته پزشکی رشته بازی هست اکثر میگن احتمال فساد توش زیاد هست مانده ام از طرفی با وجود طب سنتی اینکه میشه این دو را تلفیق کرد واقعا میشه چیز خوبی از آب درآورد و از طرفی چیزهایی که راجع به اختلاط دختر و پسر می شنوم تو این رشته البته دانشگاه فلاورجان در رشته های پزشکی اونطور که شنیدم تخصصا پزشکی، نه شاخه هایش فقط دخترانه هست ولی آزاد از یه طرف با بعضی دختران که حرف می زنی از عدم اختلاط دختر و پسر راضی اند و میگن به درس و تحقیقمون می رسیم بخصوص بچه هایی که پدر مادران سواد داری ندارن که محیط رو بشناسه و بکر وارد محیط میشن از طرفی هم با دخترانی مواجه میشیم که اختلاط و سر و کله زدن با پسره را کلاس و تمدن میدونن و میگن اینها که پسر تو دانشگاهشون نیست عذر میخام خنگ بار میان از طرفی همون فلاورجان هم هنوز اساتید مرد زیاد داره وقتی از پیشنهادهای برخی آقایون به خانم ها جاهای مختلف می شنوم مردد می شوم چرا من که اینقدر علاقه به درس دارم و اینقدر برام زحمت کشیده شده. یا امثال بنده که زیاده باید اینطور بشیم؟ درسته که به طور پراکنده داره کارهایی میشه ولی به نظر میرسه محیط دانشگاهها نباید جدا بشه از فضای تحقیق، اینطوری یه هرج و مرج ایجاد شده تو هر رشته ای افراد مجبورن برای مدرک بروند داشگاه چون اکثر اساتید نتونستن خودشونو به روز کنن یا اینکه علم ندارن و نمیتونن پاسخ بچه ها را بدهند و بچه ها مجبورند بروند بیرون کلاس خصوصی و اونها که ندارند هم که عمرشون تلف و بعد مدتی هم به علاف بودن عادت میکنن حالا این یعنی حال و روز بنده است که سهمیه شاهد هم

داشته ام واقعا سخت شده بخواهی تو محیط های مختلط دوام بیاری. یعنی نمیزارن حاج آقا. البته بنده به کنترل خیال شما هم اعتقاد دارم روشم کار کردم و اصلا وقتی اون مسیر برام باز نشد مسیر رو عوض کردم ولی باز می بینم برایه بیماری خود یا خانواده چقدر باید دنبال یه پزشک خانم خوب گشت. ۲. مسئله دوم اینکه حاج آقا اگر امکان داره یه قسمتی از جلسات تون را مدتی بر خانمها تو یک یا دو تا حوزه علمیه خواهران سطح شهر اگر امکان داره و برای مدتی ترجیحا نزدیک زمان ثبت نام حوزهها اگر زحمت نیست بگذارید تا خیلی دوستان که دوست دارند وارد حوزه بشن بتونن جای خودشون رو پیدا کنن و یا اگر امکان داره همون دانشگاه فلاورجان یا اینجاها که میشه بچه ها تو اون محیط بتونن ادامه بدهن بنده فکر می کنم یه عده گرد وجود با برکت شما اونقدر جذب شدن که همیشه رفت محیط دیگه و همیشه به هر محیطی اعتماد کرد در صورتی که با شما اگر بریم تو فضای دیگه و مدتی اونجا باشیم فکر کنم هم برای اون محیط خوبه هم افرادی از اونجا جذب میشن هم یه عده از دوستان وارد اون محیط ها می شوند و همیشه تغییراتی را ایجاد کرد. ممنون استاد عزیزم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. به این آیه فکر کنید که حضرت ربّ العالمین می فرمایند: «وَإِنْ مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا» (مریم/۷۱) و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می شود، از جانب پروردگارت حکمی قطعی است. همین حالت در دنیا هست که ما نمی توانیم از این دنیا با این نحوه مشکلات فرار کنیم، بلکه باید تلاش کنیم در عین حضور در این صحنه ها، گرفتار آنها نباشیم. به همین جهت در روایت داریم: ائمه «علیهم السلام» از جهنم عبور می کردند، ولی جهنم برای آنها خاموش بود. ۲. پیشنهاد خوبی است، ولی شرایط سنی بنده طوری است که امکان حضور در محل هایی که می فرمایید برایم نیست. ولی فکر می کنم با توجه به طلبی که دارید خداوند آن طلب را بی جواب نمی گذارد. موفق باشید